

دکتر سیده معصومه طباطبایی مطرح کرد:

مشاوران خانواده باید در کنار فیلمسازان باشند



خانواده اولین واحد اجتماعی جامعه است و روابط میان اعضای این واحد، هر قدر شیرین تر باشد، اثرات مستقیم آن روی آرامش و تعالی جامعه، بیشتر حس خواهد شد. از آنجا که رسانه‌ها

سمانه ستوده

چاردیواری

به ویژه رسانه‌های تصویری همچون سینما و تلویزیون اثر قابل توجهی در این حوزه دارند و می‌توانند نقش مهمی را در تغییر الگوی پذیری خانواده‌ها و روند تربیتی فرزندان، ایفا کنند. با دکتر سیده معصومه طباطبایی، کارشناس ارشد روانشناسی بالینی صحبت کرده‌ایم. خانم طباطبایی که دکترای فلسفه و کلام اسلامی دارد و سال‌های متمادی، به عنوان مشاور خانواده و مدرس حوزه و دانشگاه، فعالیت داشته، از نقش خانواده در فیلم‌های ایرانی گفته و آسیب‌های ناشی از عدم ارائه الگوی درست در زندگی توسط این رسانه‌ها را بررسی کرده است. باتوجه به این که فیلم سینمایی «مهمان مامان»، اثری اقتباسی از داستان هوشنگ مرادی کرمانی، هنوز هم یکی از مهم‌ترین آثار این حوزه است، در پایان گفت‌وگو، تحلیل دکتر طباطبایی از این فیلم و روابط میان فردی موجود در آن را از ایشان جویا شدیم.

قانونی، حساس و مهم است، باید نسبت به حوزه خانواده و کارکردهای تربیتی نیز حساسیت وجود داشته باشد. حضور افراد خبره در حوزه نظام فکری خانواده‌ها باعث می‌شود تولیدات تصویری، معارض با فرهنگ اصیل ایرانی و اسلامی نباشد و باعث آسیب به روابط زوجین، فرزندان و والدین نشود.

فیلم سینمایی مهمان مامان، تقریباً جزو معدود آثاری است که در این حوزه ماندگار شده و توانسته تا حدودی به نقش خانواده بپردازد.

بله؛ در برخی از فیلم‌ها مثل مهمان مامان به این موضوع توجه شده؛ مادری وجود محدودیت‌ها و سختی‌ها سعی می‌کند مهمانی را سروسامان بدهد.

ما این خوشی و غم را کنار هم می‌بینیم و از طرف دیگر شاهدیم اعضای خانواده به تبعیت از مادر تلاش می‌کنند پذیرایی از مهمان به نحو احسن برگزار شود. ولی این فیلم نقاط ضعفی هم دارد، مثل جایگاه پدر در خانواده.

پدری که نمایش داده می‌شود و به دلیل رفتارها و کوتاهی‌هایش مورد شماتت قرار می‌گیرد باعث شده جایگاه پدر، نمایش خوبی نداشته باشد. البته هر کدام از اعضا موظفند نقش خودشان را در کانون خانواده به درستی ایفا کنند و گاهی همین کوتاهی‌ها باعث شکل‌گیری درام و داستان می‌شود.

اصلاً همین ضعف، نقطه قوتی است برای مخاطبان تا به نقش مهم‌شان در خانواده پی ببرند. اما در عین حال، اصل فیلم بر نوع دوستی، گذشت و مهربانی گذاشته شده که جای تامل و تشکر دارد. نکاتی که باید مورد توجه فیلمسازان قرار بگیرد، رسانه باید بداند نمایش نقش والدین، یعنی پدر به عنوان مدیر خانواده و مادر به عنوان کانون مهر خانواده و تعامل این دو با فرزندان، ظرافت خاصی لازم دارد، و وقتی می‌توانیم به این مهم برسیم که مشاوران خانواده در کنار فیلمسازان ما حضور داشته باشند.

واقف هستند و مطرح می‌کنند. فعالان این حوزه، برای ارائه الگوها یا تغییر راهبردهای فکری افراد از همین ابزار استفاده می‌کنند، آنقدر که ما می‌بینیم سبک زندگی خانواده‌ها حتی در دورترین نقاط و کم‌برخوردارترین مناطق، تحت تأثیر فرهنگ ارائه شده از سوی این رسانه‌ها شده است.

این رسانه‌ها آیا توانسته‌اند شیوه تربیتی والدین را هم تحت الشعاع قرار دهند؟

سینما و تلویزیون اثر مستقیمی در تغییر کارکردهای تربیتی والدین دارند، گاهی می‌بینیم نظام فکری والدین و الگوهای رفتاری آنها با آن چه رسانه‌ها ارائه می‌کنند، زاویه دارد. در این حالت یا خانواده مجبور است خود را با الگوی مطرح شده از سوی رسانه تطبیق دهد یا روابط مادر و پدر با فرزندان دچار چالش می‌شود.

قاعدتاً باید راه برون رفتی برای این مسأله وجود داشته باشد. هستند خانواده‌هایی که فرزندان را بر اساس الگوهای رفتاری و منش خانوادگی خود تربیت می‌کنند.

بله؛ راه برون رفت نظارت والدین است؛ لازم است خانواده‌ها درخصوص مطالب و خوراک فکری رسانه‌های تصویری نظارت داشته باشند.

اما از طرف دیگر باید تلنگر ویژه‌ای هم نسبت به صاحبان فکر و فعالان حوزه سینما و تلویزیون داشته باشیم، این که سینما و تلویزیون و رسانه‌های تصویری باید همانطور که در بیان مسائل حقوقی و قضایی، از کارشناسان فن و خبره استفاده می‌کنند، در مسائل مرتبط با نظام فکری خانواده‌ها هم از حضور روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان حوزه زنان و خانواده، بهره بگیرند. کارکرد موثر رسانه‌های تصویری، در ارتقای فرهنگ عمومی جامعه تنها از این مسیر محقق می‌شود.

درواقع همانطور که بیان مسائل حقوقی و قضایی، به دلیل پیگردهای

به عنوان کسی که سال‌ها در حوزه خانواده و مشاوره خانوادگی، فعالیت کرده‌اید، نقش رسانه‌های تصویری را در اعتلای فرهنگ اصیل ایرانی چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا نقش‌های والدین و فرزندان، همان‌طور که باید و شاید در رسانه‌های تصویری به نمایش درمی‌آید؟

برای بررسی نقش خانواده و تأثیراتی که از فضای رسانه و به صورت جزئی‌تر، از سینما و تلویزیون می‌گیرند، نیاز است به جایگاه خانواده در جامعه اشاره کنیم.

طبیعی است که روابط میان اعضای کانون خانواده اگر بر مدار مهرورزی باشد، اثرات آن در بهباشی و آرامش آن خانواده و بالطبع جامعه موثر است. از طرف دیگر اثرات مستقیم خانواده، چه متعالی یا ناهنجار، در جامعه است که نمایان می‌شود. پس بهباشی خانواده، مهم‌ترین اصل یک جامعه متعالی و مترقی است؛ اما گزینه‌های مختلفی در ایجاد این بهباشی و آرامش، اثر دارند که رسانه‌ها در اولویت فهرست این گزینه‌ها قرار می‌گیرند.

رسانه‌ها به صورت مستقیم و غیر قابل اغماض، در تربیت بچه‌ها و الگوی پذیری اعضای خانواده موثرند و چون الگوی پذیری یکی از مهم‌ترین مولفه‌ها در فرآیند تربیت خانواده است، پس برای پرداختن به این مسأله باید واقف باشیم به این مطلب که رسانه در شرایط کنونی، کانون ارائه الگو به خانواده‌هاست و خانواده در بیشتر مواقع ناگزیر از پذیرش داده‌های رسانه به ویژه سینما و تلویزیون است. با نگاهی گذرا به تاریخ سینما می‌بینیم سینما در صد سال اخیر، جایگاه خاصی پیدا کرده و داده‌های مختلف را در قالب‌های مختلف به جوامع عرضه می‌کند. به ویژه در عصر فعلی که لذت جویی از فرهنگ تصویری و حافظه بصری، بین مردم غالب شده.

و این اتفاق، می‌تواند بر تغییر سبک الگوی پذیری خانواده‌ها، موثر باشد؟ تصویر، ابزار مهم فیلمسازان و فعالان حوزه سینما و تلویزیون است؛ این موضوعی است که همه جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان به آن